



ترویج فرهنگ گفت‌وگو و نقش آن در جوامع دینی با الهام از سیره رضوی؛ ضرورت‌ها و بایسته‌ها

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۶

محسن پرویش^۱، یعقوب تابش^۲

چکیده

بدون شک یکی از ضرورت‌های عصر حاضر، مسئله گفت‌وگوی ادیان با یکدیگر است؛ چراکه تعامل و تفاهم ادیان نقش سازنده و تعیین کننده‌ای در کاهش مخاصمات و منازعات دارد. دنیای پرتنش امروزی در کشورهای جهان اسلام که ناشی از مداخلات کشورهای بیگانه و ایجاد تفرقه بر اثر انگیزه‌های دینی است، ضرورت بیش از پیش همگرایی در جهان اسلام بر اساس فرهنگ گفت‌وگو را نمایان می‌سازد. هدف از این مقاله، گفت‌وگو و نقش آن در جوامع دینی و ضرورت‌های آن در اندیشه رضوی است. از این رو سوال اصلی مقاله دست‌یابی به چگونگی امکان‌پذیری نهادینه سازی فرهنگ گفت‌وگو با تکیه بر سیره رضوی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیره رضوی به‌عنوان آینه تمام‌نما این واقعیت را برای ما آشکار می‌کند که در برخورد با ادیان و مذاهب دیگر می‌توان با حفظ خونسردی و ایجاد جوی آرام با مخالفان عقیدتی خود بهترین گفت‌وگو را برگزار کرد. بنابراین، دوران امامت امام رضا (علیه السلام)، به‌عنوان دوره طلایی گفت‌وگو و مناظره و اثبات برتری آموزه‌های قرآنی اسلامی می‌تواند به‌منزله الگویی برای ضرورت تجدیدگفت‌وگو میان مذاهب اسلامی، آداب گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ گفت‌وگو، جوامع دینی، اندیشه رضوی، مناظرات.

۱. دکترای تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول): Mohsen.parvish@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران: y.tabesh@hsu.ac.ir

مقدمه

«همگرایی» به فرایند همبستگی دولت‌های ملی نسبت به یکدیگر اطلاق می‌شود. این اصطلاح در علوم سیاسی به این معنی است که جوامع سعی می‌کنند به تصمیم و هدف هماهنگ و مشترک دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند. همگرایی می‌تواند علل و زمینه‌های متفاوتی از جمله اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی داشته باشد. یکی از پدیده‌هایی که می‌تواند همگرایی جهانی به‌ویژه در جوامع اسلامی را به دنبال داشته باشد، گسترش فرهنگ گفت‌وگو با الهام از سیره و گفتمان رضوی است؛ چراکه بهره‌گیری از مناظرات و گفت‌وگوهای امام رضا (علیه‌السلام) تأثیرات شگرفی در کشورهای اسلامی داشته و این مسئله فرصتی برای همگرایی و وحدت امت اسلامی است. بی‌شک مناظره یکی از مهم‌ترین روش‌های تبادل افکار و ابزاری کارآمد برای تبلیغ و دفاع از دین به‌شمار می‌رود. از همین رو، اسلام بر شیوه مناظره صحیح در قرآن تأکید دارد. فراگیر شدن فرهنگ گفت‌وگو و نهادینه شدن آن در جوامع دینی می‌تواند نیاز دنیای کنونی باشد. بسیاری از معضلات و مشکلات امروز در جوامع دینی، ناشی از نبود گفت‌وگوست. گفت‌وگوی سازنده می‌تواند به‌عنوان یک عامل اثرگذار در رفع مناقشات به‌شمار رود. محور اصلی این مقاله بر یافته‌هایی استوار است که از پاسخ به پرسش زیر به‌دست آمده است: نهادینه کردن فرهنگ گفت‌وگو به‌عنوان مهم‌ترین منطق بشریت برای تعامل سازنده با جهان با الهام از سیره رضوی چگونه امکان‌پذیر است؟

۱. پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش باید گفت که در زمینه گفت‌وگو در جوامع دینی می‌توان به کتاب پیشینه تاریخی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک، طاهری (۱۳۸۷) اشاره کرد. به گفته نویسنده کتاب هدف از تدوین این نوشتار، بیان اهمیت گفت‌وگو و معرفی اسلام به‌عنوان دین طرفدار گفت‌وگوست. کتاب دیگر، ری شهری (۱۳۷۹) با عنوان گفت‌وگوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث شامل پیشگفتار و پنج فصل

به این ترتیب و عناوین است: ۱. فن گفت‌وگو؛ ۲. آداب گفت‌وگو؛ ۳. آفت‌های گفت‌وگو؛ ۴. احکام گفت‌وگو؛ ۵. نمونه‌هایی از گفت‌وگوها. علاوه بر این باید از کتاب گفت‌وگوی ادیان: مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت پروفیسور عبدالجواد فلاطوری (۱۳۷۵) نام برد. در زمینه گفت‌وگوی ادیان هم مقالاتی نگاشته شده است. از جمله صلح و حقیقت در گفت‌وگوی ادیان، بهشتی (۱۳۸۳) یا مقاله جهان اسلام و گفت‌وگوی ادیان، مظفری (۱۳۸۴) که به گفت‌وگو میان ادیان به عنوان یک ضرورت اشاره کرده‌اند. از دیگر مقاله‌هایی که در این چهارچوب نوشته شده اخلاق گفت‌وگو در قرآن و حدیث؛ با تاکید بر مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) روحی برندق (۱۳۹۷) است؛ بنابراین در موضوع مقاله حاضر به رغم مطالب گسترده و پراکنده در منابع اصلی و تألیفات و تحقیقات اخیر، پژوهش منسجم، تحلیلی و مستقل، مبتنی بر فرهنگ گفت‌وگو و نقش آن در همگرایی جوامع دینی با الهام از سیره رضوی انجام نشده است. از این رو، ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌شود.

۱-۱. اهمیت و ضرورت گفت‌وگو و تبادل نظر بین جوامع دینی در عصر حاضر

گفت‌وگو مصدر حاور از باب مفاعله به معنی مراجعه در سخن است. مولف تاج العروس در این باره می‌نویسد: «حوار به معنی محاوره است و محاوره یعنی پاسخگویی و مراجعت در سخن و کلام در گفت‌وگوست. با او گفت‌وگو کرد و آن‌ها با هم گفت‌وگو و محاوره می‌کنند» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۸۳).

در قرآن کریم هم گفت‌وگو به معنی بازگشت است (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۴۰۸) و آیه ۳۴ محاوره در آیه ۳۴ سوره کهف آمده است: «وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا»^۱

با این مقدمه آشکار می‌شود که موضوع گفت‌وگو در میان جوامع دینی از ضرورت‌های عصر حاضر است. اگر ادیان نگرش و نوع نگاه صحیحی به هم داشته

۱. و این مرد که دو باغ میوه بسیار داشت با رفیق خود (که مردی مؤمن و فقیر بود) در مقام گفت‌وگو و مفاخرت برآمد و گفت: من از تو به دارایی بیشتر و از حیث خدم و حشم نیز عزیزتر و توانمندترم.

باشند، به ایجاد صلح و آرامش در جهان کمک خواهند کرد. از سویی، تعامل و تفاهم میان جوامع دینی می‌تواند نقش سازنده‌ای در کاهش اختلافات و منازعات دینی و حتی سیاسی داشته باشد. ادیان از جمله دین مبین اسلام به‌عنوان یک دین کامل الهی علاوه بر اینکه دستورهای فراوانی بر کاهش کشمکش‌ها و اختلافات دارد، نقش مهمی هم در بالندگی و سازندگی ایفا می‌کند؛ بنابراین گفت‌وگو میان ادیان و جوامع دینی می‌تواند دیدگاه‌ها را به هم نزدیک‌تر و راه را برای تقریب هموارتر کند. نتیجه آن هم جلوگیری از جنگ‌های مذهبی و کاهش تنش در جهان اسلام همراه با گسترش معنویت و اخلاق در جهان خواهد بود.

در عصری که شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و افراطی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه با اهداف و سناریوهای مختلفی از سوی جبهه‌های استکبار و رژیم صهیونیستی طراحی شده است، اهمیت و ضرورت گفت‌وگوی مذاهب اسلامی بیش از پیش احساس می‌شود. درواقع، اگر به اندیشه ناب اسلام محمدی باور داشته باشیم، می‌بینیم که اسلام دین گفت‌وگو، صلح و آشتی و همگرایی است. در همین زمینه، گفت‌وگو هم باید بر اساس عقلانیت و منطق و به دور از هر گونه تعصبات فکری و عقیدتی باشد. همان گفت‌وگویی که مبانی قرآنی هم دارد؛ چراکه قرآن کریم از همه فرق و نحل دعوت می‌کند تا نظرها و گفته‌های خود را با دلیل و منطق بیان کنند: «وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ»^۱ (قصص، ۷۵)؛ بنابراین وقتی صحبت از ترویج فرهنگ گفت‌وگو می‌کنیم، مراد گفت‌وگوهایی با پشتوانه عقل و منطق است. این نوع گفت‌وگو را در مناظرات امام رضا (علیه السلام) هم مشاهده می‌کنیم. البته نباید فراموش کنیم که گفت‌وگو آدابی دارد و همه موظف به انجام آن هستند. چنان که گفت‌وگوهای امام رضا (علیه السلام) بر چهار اصل مهم: ارتباط و ضرورت گفت‌وگو با یکدیگر، آداب گفت‌وگو، آشنایی با زبان مخاطب و آشنایی با کتب ادیان مختلف انجام می‌شده است؛ بنابراین گفت‌وگو در عصر حاضر به‌منظور برون‌رفت از چالش‌های ساختگی میان ادیان

۱. و (آن روز) ما از هر امتی شاهی بر گرفته و گویم اینک برهانی (بر آن دعوی‌های باطل که در دنیا داشتید، اقامه کنید. آن‌گاه (آن‌ها رسوا شده) بدانند که حق و حقیقت با خدا (و رسولان او) است و آنچه به دروغ فرا می‌یافتند همه نابود شود و از دست‌شان برود.

مختلف نقش کلیدی دارد. در این بین مسئله گفت‌وگو به نام فرهنگ رضوی می‌تواند در جهان تداعی گر برقراری صلح و منادی گفت‌وگو در جهان است. در این بین نقش عالمان و محققان دینی می‌تواند پررنگ‌تر باشد؛ چراکه آن‌ها می‌توانند برای ترویج زبان گفت‌وگوی ادیان بر اساس سیره رضوی تلاش کنند و آن اسلام‌هراسی را که از سوی دشمنان اسلام به جهانیان مخابره شده است، خط بطلان بکشند. در این بین، سیره رضوی و طرح مسائلی مانند گفت‌وگو در اسلام، جایگاه گفت‌وگو از نگاه امام رضا (علیه السلام)، اخلاقیات امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوها و مناظره‌ها می‌تواند باعث افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه صلح میان ادیان شود.

۲. علل شکل‌گیری و رواج بحث و گفت‌وگوی صاحبان ادیان و مذاهب در عصر امام رضا (علیه السلام)

۲-۱. برپایی نهضت ترجمه از سوی خلفای عباسی

دوره خلافت عباسی به دلیل رواج نهضت ترجمه و نقل علوم مختلف یکی از دوران درخشان تمدن اسلامی است. خلفای عباسی با توجه به گرایشی که به ایرانیان داشتند (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۶: ۴۳۲) توانستند در این علوم و همچنین نهضت ترجمه به پیشرفت‌های زیادی دست پیدا کنند (ابن خلدون، ۱۳۴۵: ۴۷۹). از زمان منصور عباسی نهضت ترجمه کتب غیرعربی به زبان عربی شکل گرفت و در این زمان بود که بسیاری از دانشمندان ایرانی، هندی، سریانی، رومی و ... به دارالخلافه اسلامی، بغداد نقل مکان کردند و به ترجمه و شرح کتب طبی، ریاضی، هندسه، پزشکی، فلسفه، منطق و ... پرداختند تا اینکه هارون بیت الحکمه را تاسیس کرد (ابن ندیم، ۱۳۴۸: ۱۱۸)؛ مرکزی که در دوره مامون از رونق زیادی برخوردار شد. از این‌رو، نهضت ترجمه در عصر عباسی به‌ویژه در دوره مامون به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری و رواج مناظرات در دوره حضرت رضا (علیه السلام) است. در این دوره دروازه‌های بغداد را به روی دانشمندان باز کردند تا آن‌ها بدون توجه به ملیت و

مذهب شان بتوانند به کار ترجمه بپردازند و علت رونق آن نیز حمایت خلفایی همچون مامون بود. برای نمونه، مامون بر هر کتابی که با نام او ترجمه می شد، از خود علامتی روی آن می گذاشت و با این کارش مردم را به خواندن و فراگرفتن علوم ترغیب می کرد. همین حمایت او از نهضت ترجمه موجب شد تا مترجمانی از اقصی نقاط جهان از جمله ایران، هند، مصر و دیگر کشورها با هر مذهب و هر زبانی کتاب‌های خود را ترجمه و جایزه دریافت کنند (ابن ندیم، ۱۳۴۸، ۳۵۳؛ زیدان، ۲۰۰۱م: ۲۱۶) و این میراث علمی را به جهان اسلام انتقال دادند (طوقوش، ۱۳۸۷: ۱۵۹). ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که گرچه بیت الحکمه در دوره خلافت هارون الرشید پایه گذاری شد (شبلی، ۱۳۷۰: ۱۵۲). اما این مامون بود که بیت الحکمه را از یک کتابخانه به یک دارالترجمه ارتقا داد (غنیمه، ۱۳۷۲: ۸۸). بی شک تأثیرگذاری نهضت ترجمه از آنجاست که با ترجمه کتب طبّی، فلسفی، ادبیات و ... افکار و عقاید جدید وارد دنیای اسلام شد و مسلمانان را با افکار جدید آشنا کرد.

۲-۲. لزوم کسب اقتدار و شکوه برای بغداد

یکی دیگر از دلایلی که به رونق مناظرات در عصر امام رضا (علیه السلام) کمک شایانی کرد، اقدامات خلفای عباسی در راه شهرت بغداد بود. خلفای عباسی به ویژه مامون در این راه تلاش‌های زیادی از خود نشان دادند و بسیاری از محدثان و اهل علم را به بغداد کشاندند. چنان که یحیی بن اکثم اشاره می کند که مأمون او را مامور کرده بود که دانشمندان علوم مختلف را جمع کند و خود مامون هم با این دانشمندان در باب حدیث و سایر علوم گفت و گو می کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۱۲۸) از این رو، مأمون به برپایی جلسات بحث و گفت و گوی علمی میان بزرگان ادیان و مذاهب در عصر امام رضا (علیه السلام) همت گماشت. استاد مامون در این مسائل ابوالهذیل محمد بن علاف بود (دینوری، ۱۹۶۰م: ۴۰۰) مورخان اسلامی در باب اهداف مامون در مناظرات به ویژه مناظره با غیرمسلمانان نظراتی مطرح کرده اند که نوع نگاه مامون را در مناظره ترسیم می کند. به عنوان مثال، خطیب بغدادی در این باره می گوید: «مامون معتقد بود که غلبه بر خصم باید به حجت باشد و نه به

قدرت، زیرا غلبه‌ای که به قدرت حاصل شود با زوال قدرت نیز از بین می‌رود؛ اما غلبه‌ای که به حجت حاصل آید، هیچ چیز نمی‌تواند آن را از میان ببرد (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۸۴) مأمون پس از آوردن امام رضا (علیه السلام) به مرو، جلسات علمی متعددی با حضور علمای مختلف تشکیل می‌داد. در این جلسات مذاکرات زیادی میان امام (علیه السلام) و دیگران صورت می‌گرفت که به‌طور عمده در حول و حوش مسائل اعتقادی و فقهی بود. هدف مأمون از تشکیل این محافل علمی چند مسئله بود:

ضربه زدن به موقعیت علمی امام رضا (علیه السلام): مأمون چون شور و علاقه مردم نسبت به امام رضا (علیه السلام) را دیده بود، می‌خواست به‌نحوی از این اعتبار بکاهد. از این‌رو، جلسات مناظره بین امام و سران ادیان و مذاهب تشکیل داد تا شاید آن‌ها بتوانند امام رضا را از نظر علمی شکست دهند. شیخ صدوق اشاره دارد که مأمون اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل امام قرار می‌داد تا حجت آن حضرت را به‌وسیله آنان از اعتبار بیندازد و این به جهت حسد او نسبت به امام و منزلت علمی و اجتماعی او بود. اما هیچ‌کس با آن حضرت روبه‌رو نمی‌شد جز آنکه به فضل او اقرار می‌کرد و به حجتی که از طرف امام علیه او اقامه می‌شد، ملتزم می‌گردید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۲؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۳۰)؛ بنابراین نظریه‌ای که علم‌دوستی مأمون را در مناظرات امام رضا مطرح می‌کند، رد می‌شود؛ چراکه خود امام رضا (علیه السلام) به اصحاب خود می‌فرمایند: «فریب ظاهرسازی‌های او را نخورید، من به دست مأمون به شهادت خواهم رسید» (همان: ۱۸۳). از سوی دیگر، مأمون قصد داشت معصومیت امام رضا (علیه السلام) را در اذهان خدشه‌دار کند و نشان دهد که امام (علیه السلام) تنها به این دلیل از دنیا رویگردان است که دنیا نیز از او رویگردان شده است. در مذاکرات میان امام و مأمون آمده است که «مأمون عرض کرد: یا بن رسول الله با این قول خود می‌خواهی تواضع کنی و این امر را از خود دفع کنی تا مردم بگویند که توبی میلی به دنیا و از دنیا گذشته‌ای! حضرت فرمود: از این طریق تو می‌خواهی مردم بگویند که علی بن موسی الرضا خود را از دنیا کنار نکشید بلکه دنیا بود که خود را از او کنار کشید، آیا نمی‌بینید چگونه ولیعهدی را به طمع رسیدن به خلافت قبول کرد؟ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۴).

یکی دیگر از اهداف مامون این بود که نشان دهد او از خلوص نیت برخوردار است و به دلیل حق باوری نسبت به حق علویان و نیز علاقه وافر به امام رضا، ولایت عهدی را پیشنهاد داده است. ظاهرسازی مأمون به اندازه‌ای ماهرانه انجام گرفت که حتی بعدها، آن گونه که اربلی به سید بن طاووس نسبت داده و خود نیز تمایل آشکاری بدان نشان داده، در مسئله شهادت امام، مأمون مبرا دانسته شده و به عنوان یک فرد شیعه و یا متمایل به امام شناسانده شده است (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۳۲). این در حالی است که مامون در مسئله ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) مطالبی بیان می‌کند که خطوط اصلی سیاست او را در این باره روشن می‌سازد: «این مرد کارهای خود را از ما پنهان کرده و مردم را به امامت خود می‌خواند. ما او را بدین جهت ولیعهد قرار دادیم که مردم را به خدمت ما خوانده و به سلطنت و خلافت ما اعتراف نماید و در ضمن، فریفتگانش بدانند که او آنچنان که ادعا می‌کند نیست و این امر (خلافت) شایسته ما است نه او، و همچنین ترسیدیم اگر او را به حال خود بگذاریم در کار ما شکافی به وجود آورد که نتوانیم آن را پر کنیم و اقدامی علیه ما بکند که تاب مقاومتش نداشته باشیم. اکنون که با وی این رویه را پیش گرفته و در کار او مرتکب خطا شده و خود را با بزرگ کردن او در لبه پرتگاه قرار داده ایم، نباید در کار وی سهل انگاری کنیم، بدین جهت باید کم کم از شخصیت و عظمت او بکاهیم تا او را پیش مردم به صورتی درآوریم که از نظر آن‌ها شایستگی خلافت را نداشته باشد، سپس درباره او چنان چاره اندیشی کنیم که از خطرات او که ممکن بود متوجه ما شود جلوگیری کرده باشیم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۶۷-۱۶۸).

۳-۲. راهبرد و شیوه‌های تبیین معارف دینی حضرت رضا (علیه السلام) در گفت‌وگو و مباحثات علمی

دوران امام رضا (علیه السلام) از دورانی است که بحث‌های کلامی از ناحیه جریان‌ات گوناگون فکری به سرعت روبه رشد و توسعه گذاشته و در هر زمینه اختلاف نظر پدید آمده است. دو گروهی که ما آن‌ها را به نام‌های «معتزله» و «اهل حدیث» می‌شناسیم، در برپایی این جدال‌ها و کشمکش‌های فکری، بیشترین سهم را داشتند. خلفای عباسی نیز هر

کدام به نحوی در این مسائل مشارکت می‌کردند، اما هیچ‌کدام با مأمون قابل مقایسه نیستند. بعد از زمان مأمون نیز خلفا به صورت جدی در مسائل فکری و کلامی درگیر شدند. در برابر این دو گروه که یکی عقل را بر نقل ترجیح می‌داد و دیگری (اهل حدیث) به عکس، امام رضا (علیه السلام) می‌کوشید تا موضع خود را بیان کند. از این روست که بخش عمده روایاتی که از آن حضرت نقل شده، در موضوعات کلامی آن هم در شکل پرسش و پاسخ یا احیاناً مناظرات است (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۵۱). از آنجا که امام رضا (علیه السلام) مدتی در سمت ولایت عهدی، بر خوردهای آشکارتری در این زمینه داشت، این مناظرات بیشتر پیش می‌آمد، به‌ویژه که مأمون هم در اوایل، به دلایل متعددی به منظور ترتیب و تشکیل چنین جلساتی سعی وافری از خود نشان می‌داد؛ بنابراین امام رضا (علیه السلام) باید راهبردهایی برای خنثی‌سازی اهداف مأمون به کار می‌بردند که این راهبردها عبارت است از:

۲-۳-۱. دوری از تعصب

از عصر امامت امام رضا (علیه السلام) به عنوان دوره‌ای متفاوت با ویژگی‌های خاص یاد می‌کنند. در آن عصر گفت‌وگوهای علمی از جمله پرداختن به مسائل فلسفی، بین تمدن‌ها و اقوام مختلف بسیار اوج گرفت. از این رو، امام رضا (علیه السلام) در قالب جلسات گفت‌وگو و مناظره به تبیین علوم اسلامی می‌پرداختند؛ بنابراین یکی از راهبردها و ویژگی‌های اصلی گفت‌وگوهای امام رضا (علیه السلام) قابل فهم بودن و دور بودن از مباحث جدلی و از روی تعصب است. در واقع امام تحمل مخالف را به عنوان یک اصل در مواجهه با ادیان و مکاتب دیگر پذیرفته بودند؛ چرا که حضرت به جای تعصب از برهان و استدلال استفاده می‌کردند و همین دوری از تعصب در مباحثات علمی می‌توانست در جذب مخاطب و ایجاد حس همدلی و هم‌زیستی تاثیر بسزایی داشته باشد.

در واقع امام رضا (علیه السلام) با گفت‌وگوها و مناظرات خود نشان دادند که اسلام دین شمشیر و سرنیزه نیست؛ بلکه روح آزادمنشی و احترام به عقاید مخاطبان در آن دیده می‌شود. امام رضا (علیه السلام) به مخالفان خود حتی در بحث توحید و الوهیت اجازه می‌دادند تا آزادانه

نظراتشان را بیان کنند. امام در برخورد با مخالفان، هرگز تعصب را مبنای عمل قرار نمی‌دادند و متعصبانه عمل نمی‌کردند؛ بلکه حتی اگر طرف مقابل آن حضرت هم اعتقادی به مبانی دین اسلام همچون قرآن و پیامبر ﷺ نداشت، به دور از هرگونه تعصب، همان کتابی را که او بدان باور داشت، مبنای گفت‌وگو قرار می‌دادند و حجت و دلیل را از همان کتاب اقامه می‌کردند تا طرف مقابل نتواند آن را انکار کند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۲؛ ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۷) امری که در مناظره امام با جاثلیق مشهود است و آن حضرت از کتاب انجیل برای وی اقامه دلیل کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۱۷).

چیزی که از مناظرات امام رضا (علیه السلام) هویدا است بیان این مسئله است که ایشان برای ترویج زبان گفت‌وگوی ادیان تلاش می‌کردند. موضوعی که در گفت‌وگو با اندیشمندان ادیان مختلف و ارتباط با نخبگان و اندیشمندان ادیان دیگر کاملاً دیده می‌شود. ایشان برای اینکه گفت‌وگو منطقی و مبتنی بر عقلانیت باشد سعی می‌کردند تا طرف مقابل استدلال‌های ایشان را بپذیرد. امام رضا (علیه السلام) خطاب به مأمون که اصرار بر خلافت داشت، می‌فرمایند: «اگر خلافت حق توست و خداوند آن را برای تو مقرر کرده است؛ بنابراین جایز نیست خود را از آن خلع کنی و لباسی که خداوند بر تو پوشانیده از خود دور کنی و بر دیگری بیوشانی و اگر چنانچه خلافت حق تو نیست، حق نداری آن را به دیگری واگذار کنی» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۳) برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو در جوامع دینی، باید از استدلالات علمی و منطقی استفاده و از تعصب پرهیز کرد و اگر گفت‌وگو بر مبنای درست انجام شود، می‌تواند نقش ویژه‌ای در تقریب مذاهب اسلامی داشته باشد.

۲-۳-۲. محوریت قرآن در مباحث علمی همراه با طرح اشتراکات دینی

بدون شک امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوهای خودشان قرآن را به عنوان مبنای مورد توجه قرار می‌دادند. امام رضا (علیه السلام) هنگامی که با اهل کتاب مشغول گفت‌وگو و مباحثه بودند برای

اینکه حقانیت اسلام ناب را به اثبات برسانند از شیوه‌ها و استدلال‌های منطقی و عقلی و بر اساس اشتراکات دینی ابهامات را رفع و رجوع می‌کردند. به همین دلیل هنگامی که ابن سکیت از امام رضا پرسید: امروز حجت خدا بر جهانیان کیست؟ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: عقل حجت او به آفریدگان است؛ زیرا آن کسی که نسبت به خدای متعال صادق است به مدد عقل خداوند را شناخته تصدیق می‌نماید و کسی که خداوند را تکذیب می‌کند نیز با وجود برخورداری از معرفت او را تکذیب کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۵۰).

بنابراین از آنجا که امام رضا (علیه السلام) قرآن را ریسمان و دستگیره محکم الهی می‌دانستند، در گفت‌وگوهای کلامی خودشان قرآن محوری را سرلوحه خودشان قرار داده بودند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «قرآن راه برتری است که انسان‌ها را به سوی بهشت ره می‌نماید و از آتش دوزخ می‌رهاند. گذشت زمان آن را فرسوده نمی‌کند و گفتار آدمیان آن را تباه نمی‌سازد؛ زیرا ویژه زمانی خاص نیست و دلیل روشنی برای همه انسان‌هاست. از پیش رو و پشت سر، خط بطلان بر آن کشیده نمی‌شود و نیز کتابی است فرود آمده از سوی خداوند حکیم حمید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۳)؛ بنابراین با استناد به مناظرات رضوی، گفت‌وگو زمانی ترویج پیدا خواهد کرد و موثر خواهد بود که بر اساس آیه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» باشد؛ یعنی بر اساس روش‌های گفتمان قرآنی باشد.

۲-۳-۳. تمسک به سنت نبوی

امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوهای خود بر آن بودند تا معارف دین را در عرصه‌های مختلف اشاعه دهند. از این رو، ایشان تلاش می‌کردند تا به سنت نبوی تمسک بجویند. به عنوان مثال، در مناظره میان حضرت و علمای ادیان مختلف، ایشان حقانیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) را بیان می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۹-۱۶۴) امام رضا (علیه السلام) ضمن تمسک به سنت نبوی، همزیستی مسالمت‌آمیز را هم در گفت‌وگوهای خودشان با پیروان سایر ادیان مورد توجه قرار می‌دادند. ایشان با تاسی از احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

با مخالفان عقیدتی خودشان گفت‌وگو می‌کردند. علاوه بر این، حضرت رضا تمرکز خود را برای حفظ نظام سیاسی جامعه اسلامی بر اساس اصول اسلام و سیره نبوی گذاشته بودند. به همین دلیل، شرط خواندن نماز عید فطر را عمل به سنت رسول الله ﷺ قرار می‌دهند (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۰۴) درواقع، امام رضا (علیه السلام) با این شروطی که می‌گذاشتند بر آن بودند تا روش مأمون در امور سیاسی و حکومت‌داری را که برخلاف سیره و روش پیامبر ﷺ بود به چالش بکشانند.

۲-۴. نقش گفت‌وگو در جوامع دینی و لزوم آن در سیره و اندیشه رضوی

گفت‌وگو میان جوامع دینی و پیروان مذاهب اسلامی می‌تواند فرصت‌هایی زیادی برای تقویت هویت اسلامی فراهم کند. اگر منطق گفت‌وگو میان جوامع دینی به عنوان امری نهادینه شده قرار بگیرد، پیروان مذاهب اسلامی می‌توانند با هم در باب پیشرفت‌های جهان اسلام و راهکارهایی برای حل بحران‌ها تبادل نظر و هم‌اندیشی کنند. درواقع، گفت‌وگو میان جوامع دینی این واقعیت را به اثبات می‌رساند که اسلام دینی فراگیر، جهانی و دارای اهدافی الهی برای نجات بشریت است. علاوه بر این، گفت‌وگوی میان جوامع دینی می‌تواند ظرفیت‌های زیادی برای تمدن نوین اسلامی پدید آورد. جوامع دینی با گفت‌وگو می‌توانند به مذاهب در شناخت بهتر کمک کنند. همچنین، گفت‌وگو می‌تواند وسیله و ابزار مهمی در تفهیم درست مطالب استفاده شود. همچنین در تقریب مذاهب اسلامی در جوامع دینی برای پرهیز از مجادله می‌تواند به کار آید. چنان‌که خود قرآن کریم بر گفت‌وگوی علمی میان مسلمانان با ادیان دیگر اشاره دارد؛ بنابراین گفت‌وگو در جوامع دینی می‌تواند راهی به سوی هم‌افزایی فرهنگی ادیان و مذاهب باشد. از کاوش در مناظرات و گفت‌وگوهای امام رضا (علیه السلام)، می‌توان نکاتی برای رسیدن به برخی الزامات و بایسته‌ها در مسیر پویایی و کارآمدی کرسی‌های نقد و گفت‌وگو استفاده کرد؛ چراکه با برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو و جدال احسن می‌توانیم به نشر فرهنگ و معارف اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص سیره رضوی در جامعه امروزی کمک شایانی کنیم و

از سویی از نتایج مثبت و سازنده گفت‌وگو و ضرورت تطابق آن با سیره عملی و رفتاری امام رضا (علیه السلام) استفاده مطلوب کنیم.

۲-۴-۱. حفظ مصالح جامعه مسلمین و دفع فتنه‌ها و خطرات آن

بدون تردید امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوهایی که با علمای ادیان و دیگران داشتند، حفظ مصالح مسلمین و دفع فتنه‌ها و خطرات را مد نظر قرار داده بودند. حفظ مصالح جامعه مسلمین برای آن حضرت از اهمیت زیادی برخوردار بود. به‌طوری که اگر چه مأمون را به‌عنوان یک خلیفه اسلامی قبول نداشتند، اما به خاطر وحدت امت اسلامی و برای دفع خطر از جامعه اسلامی به مأمون مشورت می‌دادند. درواقع، امام رضا (علیه السلام) طرفدار وحدت و اتحاد و همبستگی مسلمانان بودند. همین حفظ مصالح جامعه مسلمین مهم‌ترین پیام سیره رضوی است. چنان که شیخ مفید اشاره می‌کند که امام در مجالس خصوصی با مأمون، او را نصیحت می‌کرد و از عذاب الهی بیم می‌داد و به خاطر کارهای خلافی که مرتکب می‌شد به نکوهش او می‌پرداخت. مأمون به ظاهر اندرزهای امام را می‌پذیرفت، ولی در واقع از این برخورد های امام سخت ناراحت می‌شد. شیخ مفید نمونه‌ای از این موارد یاد کرده است (مفید، ۱۳۹۶: ۳۱۵)

۲-۴-۲. وحدت و همدلی در نتیجه رفع اختلافات و کینه‌توزی‌ها و شبهات

بدون شک یکی از کارکردهای مهم گفت‌وگو پرهیز از تفرقه و نفاق و ایجاد اتحاد و همدلی است. جهان اسلام امروزه در موقعیتی قرار گرفته که قدرت‌های استکباری در اندیشه ضربه زدن به اتحاد میان جوامع دینی و ایجاد تشتت و تفرقه میان آنان است. امام رضا (علیه السلام) هم همواره اتحاد و همدلی را سرلوحه مناظرات و گفت‌وگوها قرار می‌دادند تا احساسات مذهبی جریحه‌دار نشود (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۸۱: ۱۹۵). امام رضا (علیه السلام) همچنین شبهات به‌وجود آمده را پاسخ دهند؛ بنابراین اگر رفع شبهات را به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد مناظرات علمی و فقهی امام رضا (علیه السلام) قلمداد کنیم باید بر تبیین مشترکات و مواضع وفاق

تکیه کنیم و نباید اغراض دنیایی و اختلافات مذهبی بر فضای گفت‌وگوهای بین ادیانی سایه افکند. چنان‌که اباصلت می‌گوید؛ خدمت امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: از حضرت صادق (علیه السلام) برای ما روایت شده است که «اگر کسی علم و دانش را از آن جهت بخواهد که با دانشمندان دیگر به ستیز درافتد یا بر سفيهان و سبک‌مغزان بتازد یا برای جلب نظر مردم از آن استفاده کند، جایگاه خویش را در آتش جهنم آماده ساخته است.» امام فرمود: «جدم درست فرموده اند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷).

بنابراین منطق گفت‌وگو در جوامع دینی با تکیه بر سیره رضوی می‌تواند بستر مناسبی برای همدلی و اتحاد در جهان اسلام فراهم سازد. چنان‌که امام رضا علاوه بر اینکه به تبیین معارف دینی می‌پرداختند، شبهات گروه‌ها و ادیان مختلف را هم با سعه صدر پاسخگو بودند. جوامع دینی باید این اصل را مد نظر قرار دهند که اگر گفت‌وگوی میان ادیان برقرار می‌شود، بر پایه احترام باشد تا موجب از بین رفتن همدلی و اتحاد جامعه نشود؛ چراکه دشمنان اسلام درصدد ایجاد تفرقه میان مذاهب و اقوام مختلف کشورهای اسلامی هستند؛ بنابراین جوامع دینی باید از ظرفیت‌های جهان اسلام برای این مسئله استفاده کنند؛ چراکه یکی از ظرفیت‌های مهم جهان اسلام، این است که نه‌تنها شیعه و سنی بلکه همه ادیان در کنار هم در سایه و وحدت اسلامی زندگی کنند و با تاسی از اندیشه و سیره رضوی اتحاد و همدلی خود را به دنیا نشان دهند.

گفت‌وگو در جوامع دینی می‌تواند موجبات تضارب افکار و تبادل اندیشه‌ها را به دنبال داشته باشد و همدلی در جهان اسلام به‌وجود بیاورد تا باعث آشنایی دیگران با اندیشه‌های مذاهب مختلف شود. علاوه بر این، گفت‌وگو بین مذاهب موجب مشارکت، تعاون، صلح، مشورت و پرهیز از جدل و واگرایی در جهان اسلام می‌شود؛ بنابراین همدلی و اتحاد جهان اسلام در پرتو آموزه‌های حکیمانه و سیره زندگی عالمانه حضرت امام رضا (علیه السلام) می‌تواند اختلافات درونی جهان اسلام را حل کند.

۲-۴-۳. حاکم کردن فضای نقد در گفت‌وگوهای جوامع دینی

یکی از اصول مهم در گفت‌وگوهای علمی، حاکم شدن فضای نقد است. امری که علاوه بر فراهم شدن فضای نقد مخاطب، باعث می‌شود تحمل قول مخالف را داشته باشیم؛ به این معنی که نگاهمان به نظر مخالف از روی کینه و توهین نباشد. البته فضای نقد هرگز ایجاد نخواهد شد مگر اینکه فرصت سؤال و دفاع به طرف مقابل داده شود. مسئله ای که در گفت‌وگوهای امام رضا (علیه السلام) به وفور دیده می‌شود. از این رو، امام هرگز حالت تهاجمی نمی‌گرفت؛ بلکه به طرف مقابل خود اجازه می‌دادند تا حتی هر سؤالی دارند بپرسند. در یکی از گفت‌وگوهایی که امام رضا (علیه السلام) با جاثلیق داشتند، جاثلیق در خطاب به امام گفت: «مطلبی را که از انجیل برایم روشن شد، انکار نمی‌کنم بلکه بدان اذعان دارم.» در همین حین امام خطاب به حاضران فرمودند که «شاهد اقرار او باشید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۰۲) یا هنگامی که امام به جاثلیق فرمودند هر سوالی داری بپرس. جاثلیق با جسارت پاسخ داد که «می‌پرسم ولی هیچ دلیلی از تو نمی‌پذیرم؛ مگر اینکه در تورات یا انجیل یا زبور داوود یا صحف ابراهیم و موسی باشد» امام پاسخی به جاثلیق دادند که نشانه میدان دادن به مخالفان و آزاد گذاشتن فضای نقد است. ایشان فرمودند: «دلیلی از من نپذیرم مگر آنچه را از تورات که بر زبان موسی بن عمران و آنچه از انجیل که بر زبان عیسی بن مریم و آنچه از زبور که بر زبان داوود آمده است، بیاورم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۲۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۰۷). البته نباید فراموش شود که توجه به فضای نقد و ضرورت آزاداندیشی به معنی درهم شکستن بنیان‌های اصیل نیست.

جوامع دینی هم باید بر مبنای همین اصل، از راه گفت‌وگو اختلافات درونی جهان اسلام را برطرف کنند؛ چرا که گفت‌وگو زبان اسلام و حلال مشکلات و اختلافات جوامع بشری است. اگر زمینه‌های ایجاد گفت‌وگو میان ملت‌ها برقرار شود، حقایق اسلام و اصول اخلاق و تعالیم و احکام اسلام به‌خوبی تبیین می‌شود که نتیجه آن از بین بردن ذهنیت اسلام‌هراسی و نسبت‌های ناروایی است که به اسلام و مسلمانان داده می‌شود.

۲-۴-۴. تأثیر و نقش گفت‌وگوها علمی در اقناع اندیشه‌ها و تبلیغ معارف اسلامی

تأثیر و نقش گفت‌وگوها و مناظرات علمی در اقناع مخالفان با تکیه بر تبلیغ معارف اسلامی از موضوعاتی است که در اندیشه رضوی قابل توجه است. درواقع، گفت‌وگوی علمی مطلوب برای تبلیغ معارف اسلامی همواره مورد تأکید دین مبین اسلام بوده است. اگر گفت‌وگوهای ما چه در عرصه دینی و چه در عرصه‌های دیگر از پشتوانه قوی علمی برخوردار باشد به راحتی می‌توانیم قدرت اقناع‌گری خود را بالا ببریم. چنان‌که حضرت رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوهای خود با ادیان مختلف هنگامی که استدلال می‌کردند، به آیات کتاب‌های مقدس طرفین گفت‌وگو توجه و به آن استناد می‌کردند؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های گفت‌وگو میان جوامع دینی مبتنی بر سیره و اندیشه رضوی باید واقع‌گرایی و اقناع مخاطب با تکیه بر واقعیت‌های مورد قبول مخالفان باشد. درواقع، برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو میان جوامع دینی نباید طرف مقابل را مجبور کنیم اشتباهش را قبول کند؛ چراکه این گفت‌وگو نتیجه عکس می‌دهد. بلکه گفت‌وگوی ما باید محترمانه و محبت‌آمیز باشد به گونه‌ای که طرف مقابل متوجه شود که حرف‌ها و استدلال‌های ما درست و بر پایه استنادات علمی است. اینجاست که موضع‌گیری‌ها و لجبازی هم کمتر می‌شود. چنان‌که امام رضا (علیه السلام) هم راهکارهای موثری برای اقناع مخاطب به کار می‌بردند. درواقع، ایشان از طریق اقناع کلامی مثل جدال احسن، استناد به منابع معتبر و مستدل و همچنین از طریق اقناع غیرکلامی مثل زبان بدن و خوش خلقی فرد اقناع‌کننده نسبت به طرف مقابل خود در گفت‌وگوها بهره برده است. همچنین توجه به باور مخاطب ورد و اصلاح یا تایید آن در قالب‌های مختلف، گویای آن است که آن حضرت به دنبال اقناع مخاطبان با توجه به موقعیت زمانی و مکانی آن‌هاست و به موقعیت روحی و روانی نیز توجه دارد (میرهادی تفرشی، ۱۳۹۹: ۳۳). بهترین نمونه از استدلال‌های حضرت رضا (علیه السلام) را با عمران صابی متکلم متعلق به مذهب صائبان می‌بینیم. «عمران خطاب به آن حضرت گفت: آیا خداوند که وجود او ثابت بود، نزد خودش وجودش معلوم بود و حضرت در جوابش فرمود: علم پیدا کردن نزد خلق به جهت نفی خلاف آن است که جهل باشد. پس باید جهلی وجود داشته باشد تا با نفی آن علم حاصل شود و این در حالی است که

نسبت به خداوند جهلی تصور نمی‌شود که مخالف با علم او باشد و از این روی حاجت داشته باشد که این جهل را با تشخیص معلومات خویش نفی کند و از بین ببرد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۳۱).

۲-۵. گفت‌وگوی درون تمدن اسلامی به مثابه یک راهبرد

تمدن اسلامی در میان تمدن‌های انسانی پیشینه بسیار کهنی دارد. تمدن اسلامی را می‌توان تمدنی دانست که همه مولفه‌های آن مبتنی بر دین اسلام است. در تمدن اسلامی، ارزش انسان‌ها بر پایه تقوا و اطاعت از خداوند است. تمدنی که در سرزمین حجاز توانست به‌رغم محرومیت از مدیریت و کارایی مناسب به میزانی از پیشرفت و تمدن اسلامی برسد (نصر، ۱۳۸۴: ۱۱). تمدن اسلامی همچنین بیان‌کننده همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (بینائیان، ۱۳۸۳: ۱۱۳) در کنار آن تمدن‌سازی هم به معنای حرکت جامعه به سمت متمدن شدن و ایجاد جامعه متمدن مبتنی بر توسعه و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی است. یکی از ظرفیت‌های مهم در تمدن‌سازی اندیشه رضوی است؛ چراکه سیره امام رضا (علیه السلام) نگاه و افق آینده را برای ما ترسیم می‌کند. تمدن‌سازی بر پایه اصولی شکل می‌گیرد که آن حرکت دارای مسیر و در نهایت هدف و مقصد باشد. این تمدن‌سازی آثاری را به وجود می‌آورد که می‌تواند رفتارها و زندگی ما را جهت دهد. گفت‌وگوها و مناظرات امام رضا (علیه السلام) نمونه بارز این تمدن‌سازی جهانی است. آنچه در آن زمان در جهت تقریب مذاهب و ادیان شکل گرفت فقط مختص همان دوره زمانی و مکانی نبود، بلکه انسان‌ها در طول تاریخ می‌توانند از برکات وجودی این تمدن‌سازی بهره‌مند شوند. درواقع، گفت‌وگوی‌های امام رضا (علیه السلام) را می‌توان به دو دسته گفت‌وگوی «درون مذهبی» که همان بحث تقریب مذاهب اسلامی است و گفت‌وگوی «برون مذهبی» که آزاداندیشی و گفت‌وگوی ادیان است، تقسیم کرد.

تمدن بزرگ اسلامی در عصر حاضر نیز باید بر اساس همین اصول گفت‌وگو در سیره

رضوی باشد. این گفت‌وگوی درون تمدن اسلامی شکل نخواهد گرفت مگر اینکه بسترها و پیش شرط‌های آن همانند دوری از تعصب و اعتقاد به اصل وحدت در عین کثرت رعایت شود. در آن صورت است که این گفت‌وگوی درون تمدن اسلامی می‌تواند همگرایی و پرهیز از مجادله را در جهان اسلام تداعی کند.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به جنبه‌های مختلف گفت‌وگو و مناظرات حضرت امام رضا (علیه السلام) به عنوان الگوی گفت‌وگو و مناظره در تاریخ اسلام به این حقیقت می‌رسیم که یکی از موثرترین روش‌ها برای تقریب مذاهب اسلامی گفت‌وگوست. جوامع دینی می‌توانند با گفت‌وگوهای موثر و سازنده، سوء تفاهم‌ها و سوء برداشت‌ها را از بین ببرند و در عوض بستر و فضای مناسبی برای آگاهی‌بخشی و تبادل نظر ایجاد کنند. البته در تمامی گفت‌وگوها باید انصاف را سرلوحه کار قرار داد. در جهان امروزی که بیش از پیش ضرورت همگرایی و وحدت را می‌طلبد بهره‌گیری از سیره رضوی می‌تواند زندگی عزتمندانه با گفت‌وگوی درون تمدنی را فراهم آورد و فاصله‌های موجود میان آن‌ها را کم کند؛ بنابراین تاسی از اندیشه رضوی می‌تواند دنیای جهان اسلام را در برقراری فضای گفت‌وگو و تضارب آرا کمک کند و زمینه‌ساز بسیاری از گفت‌وگوهای درون دینی و برون دینی شود. نهادینه کردن سیره رضوی و ارتقای فرهنگ گفت‌وگو برای تقریب مهم‌ترین مسئله کنونی جهان اسلام است؛ چراکه گفت‌وگوی میان جوامع دینی می‌تواند به تقریب مذاهب منجر شود و نوعی همدلی و اتحاد به دور از هر گونه تشنج ایجاد کند. از سویی دیگر گفت‌وگوی علمی و منطقی گامی علمی در راستای رهایی از فرقه‌گرایی است. در سیره و اندیشه رضوی یکی از اصول به کار رفته در گفت‌وگوها تسامح و تساهل است. نکته مهم در این گفت‌وگوها این است که حضرت گفت‌وگوی دینی را بر مبنای پذیرفته شده مردم انجام می‌دادند؛ یعنی همان روشی که امام در مناظره با سران ادیان بزرگ جهان داشتند و بر اساس اعتقادات و دیدگاه‌های پیروان

ادیان مختلف با آن‌ها بحث می‌کردند، نه اینکه از اعتقادات و نگرش اسلام استفاده و بر مبنای مورد پذیرش آن‌ها استدلال کنند. البته رعایت آداب گفت‌وگو شرط لازم در گفت‌وگوهای میان مذاهب اسلامی است.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. (۱۳۹۹ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۲ق). *المنتظم*. مصحح عظامحمدبن عبدالقادر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۴۵). *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه محمدپروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابراهیمی، امید؛ محمدی، دل آرام. (۱۳۹۷). «آسیب شناسی مناظره براساس الگوی مناظرات امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال ششم. شماره ۲۱. صص: ۱۷۳-۱۹۸.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۷۸). *عیون الأخبار الرضا (علیه السلام)*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل رسول*. مترجم علی اکبر غفراری. تهران: کتابچی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۴۸). *الفهرست*. قاهره: المکتبه التجاریه الکبری.
- اسد علی زاده، اکبر. (۱۳۸۹). *چالش های فکری و سیاسی وهابیت*. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما قم.
- بیناثیان، حسن. (۱۳۸۳). «بررسی تاریخی تولید علم در تمدن اسلامی». *درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی (مجموعه مقالات)*. ج ۱. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *دین شناسی*. قم: اسراء.
- حسینی، صدیقه. (۱۳۹۲). *اهداف فرهنگی جنگ نرم رسانه ای*. قم: انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی.
- حلی، محمدبن سلیمان. (۱۴۲۱). *مختصر البصائر*. تحقیق مشتاق مظفر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- زیدان، جرجی. (۲۰۰۱م). *تاریخ تمدن اسلامی*. تحقیق حسین مونس. قاهره: دارالهیال.
- شبلی، احمد. (۱۳۷۰). *تاریخ آموزش در اسلام*. ترجمه محمد حسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تحقیق محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۸۷). *دولت عباسیان*. ترجمه حجت الله جودکی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۷۲). *تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلام*. ترجمه نورالله کسایی. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد. (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: دارالرضی.
- کریمی نیا، محمد مهدی. (۱۳۸۳). *همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی مرکز امام خمینی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدپناه، امیر حسین. (۱۳۹۳). *فتنه داعش (علل و عوامل شکل گیری و پیامدهای آن)*. تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی ناجا.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۹۶). *الارشاد*. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- میرهادی تفرشی، سید محمد رضا؛ معتمد لنگرودی، فاطمه؛ معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۳۹۹). «جستاری در راهکارهای مؤثر بر اقناع مخاطب در مناظرات رضوی». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال ۸. شماره ۳۰. صص: ۳۳-۵۵.
- نصر، حسین. (۱۳۸۴). *علم و تمدن در اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.